

ترتیب مراتب هستی چگونه است؟ چه ارتباطی بین دنیای مادی و عوالم بالاتر وجود دارد؟

شناخت مراتب هستی چه نقشی در فهم جایگاه انسان در نظام آفرینش دارد؟

آیا جهان خلقت فقط همین عالم مادی است که ما در آن زندگی می‌کنیم؟ یا عوالم و مراتبی قبل و بعد از دنیا نیز وجود دارند؟ سؤالاتی مانند اینکه «از کجا آمده‌ایم؟»، «در کجا هستیم؟» و «به کجا می‌رویم؟» از جمله سؤالات فطری هستند که افراد با باورهای مختلف، به شیوه‌های گوناگون از خود می‌پرسند. دلیل اهمیت این پرسش‌ها این است که پاسخ آن‌ها ما را به درک عمیقی از مراتب هستی و جایگاه انسان در نظام آفرینش می‌رساند. شناخت مراتب خلقت به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چرا هستیم، چه مسیری در پیش داریم و چگونه می‌توانیم خود را بهتر بشناسیم، به زندگی خود جهت دهیم و به هدف اصلی خلقت نزدیکتر شویم.

نظام آفرینش ساختاری دقیق، هدفمند و لایه‌لایه است که از بالا تا پایین مراتب متناسب و هماهنگی دارد. فهم مراتب هستی علاوه بر شناخت عوالم گوناگون، به کشف موقعیت خود ما در نظام خلقت نیز کمک می‌کند.

در نگاه الهی، نظام هستی از مرتبه‌ای آغاز می‌شود که درک آن برای ذهن مادی بشر دشوار است. خداوند، آفرینش را با نوری آغاز می‌کند که در آیات و روایات از آن با عنوان «نور محمد»، «روح» یا «عقل» یاد می‌شود؛ نوری که سرآغاز هستی و ریشه حقیقی انسان است.

مطابق آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام)، نظام آفرینش در مراتب گوناگونی شکل گرفته است که عبارت است از: عالم جبروت یا عالم عقل و قدرت، عالم ملکوت یا عالم ارواح و معنا، عالم ناسوت یا دنیای مادی و نسیان! انسان موجودی است که این مسیر را از بالا طی می‌کند و فقط مدتی در پایین‌ترین نقطه یعنی عالم مادی دنیا متوقف می‌شود؛ اما این پایان ماجرای سفر بشر نیست و روح ما دوباره این مسیر را به سوی حقیقت و کمال مطلق، در جهت پایین به بالا طی خواهد کرد.

تمام انسان‌ها، چه مذهبی و دین‌باور و چه غیرمذهبی، فطرتی بی‌نهایت طلب دارند. احساس نارضایتی از

دنیا، میل به جاودانگی، علاقه به علم، قدرت و زیبایی بی‌نهایت همگی از نشانه‌های تعلق انسان به مرتبه‌ای بالاتر از عالم مادی است؛ اما عوالم بالاتر یا احتمالاً پایین‌تر از دنیا چه هستند؟ دنیا و عالم مادی در کدام یک از مراتب هستی قرار دارد؟ هرکدام از مراتب و عوالم دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟ در این درس به بررسی مراتب گوناگون هستی، ساختار هر مرتبه، دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی این مراتب و اهمیت و کارکرد شناخت آن‌ها می‌پردازیم.

ساختار مراتب هستی؛ از نور محمدی تا دنیای محسوس

شناخت مراتب هستی یکی از مباحث کلیدی در شناخت نظام آفرینش و جایگاه انسان در آن است. تمامی موجودات جهان بر اساس حکمت الهی و در نظامی دقیق و منظم آفریده شده‌اند. شناخت این ساختار، کلید فهم روابط انسان با جهان و خداوند به شمار می‌آید.

مراتب آفرینش ساختاری هندسی و تأسیس شده از بالا به پایین دارد. آغاز این نظام با نخستین جلوه و تجلی خداوند است؛ جلوه‌ای که به آن **مثل اعلی** یا «عالی‌ترین نمونه از خداوند» گفته می‌شود و در زبان روایات با عنوان‌های «روح»، «عقل»، «قلم» یا «نور محمدی»^۱ شناخته می‌شود. همه‌ی مخلوقات خداوند، از فرشتگان تا آسمان‌ها، زمین، موجودات و در نهایت انسان، از این نور پدید آمده‌اند.

ملاصدرا، فیض کاشانی، ملاهادی سبزواری و دیگر حکما و فیلسوفان معتقدند این تعبیرها، وصف‌های مختلفی از یک حقیقت واحد هستند؛ مانند نوری که از منشور عبور می‌کند و رنگ‌های متنوعی از آن نمایان می‌شود؛ در واقع هرکدام از مراتب آفرینش انعکاسی از مرتبه‌ی بالاتر خود هستند.

خداوند نظام آفرینش را در سه عرصه‌ی اصلی سامان داده است:

۱. **عالم جبروت**: این عالم جایگاه مجردات، عقل، اراده و قدرت محض است. عالم جبروت که به ملکوت اعلی نیز معروف است، قوی‌ترین مرتبه‌ی نظام هستی و سرچشمه‌ی شکل‌گیری سایر مراتب به شمار می‌رود.

^۱ حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي؛ نخستین چیزی که خدا آفرید، نور من بود.» مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، گردآورنده علی اکبر غفاری، هدایت الله مسترحمی و ...، بیروت-لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۸ ش، ج ۵۴، ص ۱۷۰

این عالم بر همهٔ عوالم و مراتب دیگر تقدم وجودی و احاطه دارد.

۲. **عالم ملکوت:** این مرتبه حوزهٔ ارواح، نفوس، الگوهای غیرمادی و صور مثالی است. عالم ملکوت که از آن با نام‌های «عالم برزخ» و «عالم خیال منفصل» یاد می‌شود، از نظر شدت و مرتبهٔ وجودی ضعیف‌تر از عالم جبروت و در عین حال قوی‌تر از عالم مادی است و بر آن احاطه دارد.

۳. **عالم ناسوت:** این عالم، دنیای محسوس، مادی و محدود است که ما در آن زندگی می‌کنیم. عالم ناسوت، سایه و تصویر مراتب بالاتر است و از نظر شدت هستی ضعیف‌تر از تمامی عوالم دیگر به حساب می‌آید؛ اما محل امتحان و سکوی رشد و ارتقای انسان به مراتب بالاتر می‌باشد.

عالم ناسوت، عالم نسیان و فراموشی است. انسان هنگام ورود به این عالم، گذشتهٔ خود را فراموش می‌کند؛ به همین دلیل نیاز مبرمی به یادآوری دارد. خداوند در آیات فراوانی، حقیقت و ماهیت انسان را به او گوشزد می‌کند.^۲ از اینجا مشخص می‌شود که شناخت مراتب هستی و ویژگی‌های هر عالم می‌تواند به انسان کمک کند تا با بازگشت به ریشه‌های معنوی خود، از این فراموشی رهایی یابد و زندگی خود را در راستای هدف خلقتش سامان دهد.

ساختار مراتب خلقت علاوه بر بیان نظم آفرینش، معیاری برای شناخت جایگاه انسان و مسیر رشد و تعالی او نیز می‌باشد. انسان به‌عنوان محور نظام آفرینش باید به شناخت و تقویت بُعد روحانی خود بپردازد تا بتواند در قوس صعود به سوی کمال حرکت کند.

بررسی نسبت ریاضی مراتب هستی

تمام مراتب هستی با نسبت‌های ریاضی ویژه‌ای نسبت به یکدیگر تنظیم شده‌اند. امام صادق (علیه‌السلام) فرمول این نسبت را این‌گونه بیان می‌فرماید: «همانا خداوند عزوجل، عالم مُلک خویش را به‌سان ملکوتش آفرید و ملکوتش را به‌سان جبروتش تأسیس نمود تا با ملکش به ملکوتش استدلال کند و با ملکوتش بر

^۲ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وِإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ؛ سوره بقره، آیه ۱۵۶

جبروتش!^۳ این کلام بیانگر آن است که عصاره‌ای از عالم جبروت، عالم ملکوت را شکل داده و به همین ترتیب، عالم ناسوت و نظام مادی بر اساس عالم ملکوت خلق شده است؛ در واقع جبروت، ملکوت و ناسوت مدارج و مراحل یک حقیقت هستند و این تصور که در نظام خلقت مکانی به نام جبروت وجود دارد و بعد از آن مکانی به نام ملکوت آغاز می‌شود، نادرست است. این عوالم به صورت تو در تو بوده و با یکدیگر رابطه‌ی طولی دارند.

بنیان وجودی تمام مراتب آفرینش، نور وجود پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است. در تأیید این ادعا می‌توان به آیات قرآن و روایات معتبر مراجعه کرد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «خداى رحمان قرآن را یاد داد، انسان را آفرید.»^۴ اما سؤال این است که چرا در این آیات، پیش از خلقت انسان به تعلیم قرآن اشاره شده است؟ خداوند قبل از آفرینش انسان، قرآن را به چه کسی یا کسانی آموخته است؟ پاسخ این سؤال در سخنان معصومین (علیهم‌السلام) نهفته است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده‌اند: «نخستین آفریده‌ی خداوند نور من است.» بر اساس سخن امام صادق (علیه‌السلام) نیز ایشان هزاران سال پیش از آفرینش فرشتگان و خلقت انسان وجود داشته‌اند و به فرشتگان ذکر می‌آموخته‌اند.^۵

این آیات و روایات نشان می‌دهند که تمامی مخلوقات و مراتب هستی ریشه در عالمی پر از نور و شعور دارند. درک این حقیقت نه تنها باعث رشد معنوی انسان می‌شود، بلکه دید دقیقی نسبت به مبدأ و مقصد وجود به او می‌دهد.

دیدگاه قرآنی درباره مراتب هستی در مقایسه با نظریات علمی و فلسفی

زمانی که درباره آغاز جهان و مراتب هستی صحبت می‌شود، ذهن‌ها به سوی علم فیزیک، نجوم و «نظریه بیگ‌بنگ»^۶ می‌روند؛ اما دیدگاه قرآن و روایات مسیر دیگری را نشان می‌دهند. درک این تفاوت می‌تواند بر

^۳ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ مُلْكَةً عَلَى مِثَالِ مُلْكُوْتِهِ، وَ أَسَّسَ مُلْكُوْتَهُ عَلَى مِثَالِ جَبْرُوْتِهِ لِيَسْتَدِلَّ بِمُلْكِهِ عَلَى مُلْكُوْتِهِ وَ بِمُلْكُوْتِهِ عَلَى جَبْرُوْتِهِ؛ منهاج النجاة فى ترجمة مفتاح الفلاح، مقدمه ۲، ص ۲۶

^۴ الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ؛ سورة الرحمن، آیات ۱ تا ۳

^۵ كُنَّا أَنْوَارًا نُسَبِّحُ اللَّهَ تَعَالَى وَ نَقْدُسُهُ حَتَّى خَلَقَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ سَبِّحُوا فَقَالَتْ أَيْ رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا فَقَالَ لَنَا سَبِّحُوا فَسَبَّحْنَا فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ بِتَسْبِيحِنَا؛ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۵۰

^۶ The Big Bang Theory

نگرش ما نسبت به نظام آفرینش و مراتب خلقت تأثیر بسزایی بگذارد.

در نگاه علمی، بحث همواره از «ماده» آغاز می‌شود. بر اساس این دیدگاه، یک ذره فشرده وجود داشته که انفجار آن به شکل‌گیری جهان انجامیده است. فلاسفه نیز معتقدند یک «موجود مجرد» یا «**عقل اول**» از خداوند صادر شده و سپس عقل‌های دوم، سوم و... و در نهایت عالم مادی به وجود آمده‌اند.

نگرش‌های علمی و فلسفی بیشتر به دنبال نظم، قوانین، اندازه‌گیری و شناخت هستی بوده و بر روابط علت و معلولی تمرکز دارند. اشکال این دیدگاه‌ها از منظر دینی این است که آن‌ها بدون در نظر گرفتن حقیقت باطنی و هدفمندی معنوی به جهان نگاه می‌کنند و رابطه انسان با خدا را نادیده می‌گیرند.

در نگاه قرآنی و روایی، خلقت با نور پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آغاز می‌شود، نه با ماده یا انفجار! قرآن از وجود «نور»، «عرش»، «قلم»، «لوح» و «روح» قبل از هر چیز مادی سخن می‌گوید. در روایات معصومین (علیهم‌السلام) نیز به نور وجودی حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به‌عنوان اولین مخلوق اشاره شده است.

تفاوت مهم دیدگاه قرآن و روایات با نگاه علمی و فلسفی این است که در قرآن و روایات، خلقت به‌عنوان یک رویداد علمی نیست، بلکه فرایندی هدفمند، معنوی و دارای معنا توصیف می‌شود. قرآن و روایات به دنبال معرفی مراتب آفرینش با ترتیبی علمی یا فلسفی نیستند؛ بلکه هدف آن‌ها معرفی مبدأ خلقت، مسیر زندگی و مقصد نهایی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ما آسمان و زمین و آنچه را که میان آن‌ها است، بیهوده نیافریده‌ایم.»^۷ چنین آیاتی به این نکته اشاره دارند که نظام خلقت حاصل یک تصادف یا نظم طبیعی نیست؛ بلکه امتحان و دعوتی برای رشد و مسیری به سوی بازگشت به خداوند است.

چرا شناخت مراتب هستی مهم است؟

شناخت مراتب هستی نباید به‌عنوان دانشی نظری تلقی شود، بلکه یک نیاز اساسی برای درک روند تکامل و کشف مسیر بازگشت به اصل خویش است؛ اگر ندانیم از کجا آمده‌ایم، مسیر بازگشت خود را نیز گم می‌کنیم؛ اما وقتی بدانیم از خدا هستیم و به سوی او بازمی‌گردیم، دیگر به دنیای مادی به‌عنوان مقصد

^۷ وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا تَاجِلًا؛ سوره ص، آیه ۲۷

زندگی نگاه نمی‌کنیم.

شناخت مراتب خلقت تأثیرات عمیقی در انگیزه، چشم‌انداز و سبک زندگی ما دارد. زندگی بدون افق، تنها یک زندگی روزمره و بی‌هدف است؛ اما وقتی متوجه شویم مأمور سفر به بی‌نهایت هستیم، همه‌چیز برای ما معنا پیدا می‌کند؛ در واقع شناخت مراتب هستی، راهی برای درک جایگاه انسان در نظام آفرینش است. ما انسان‌ها موجوداتی میان خاک و افلاک هستیم. با اراده می‌توانیم از پایین‌ترین مرتبه به بالاترین قله معنوی برسیم؛ بنابراین فهم نظام و مراتب آفرینش نه فقط یک باور دینی، بلکه نقشه‌ای برای زیستن هدفمند و آگاهانه است. انسانی که خود را بشناسد، اهل تذکر، حرکت و امید می‌شود، نه درجا زدن و ناامیدی! یکی از کارکردهای شناخت مراتب خلقت این است که انسان درمی‌یابد ریشه، حقیقت و خانواده آسمانی او محمد و آل محمد (علیهم‌السلام) هستند. درک این حقیقت، شهود حقیقت‌هایی دیگری مانند نبوت و ولایت را نیز آسان می‌کند؛ اگر انسان ریشه و اصل وجود خود را بشناسد، به راحتی متوجه علت نیاز خود به معصومین (علیهم‌السلام) می‌شود و می‌داند که راه رشد و سعادتش در پیروی از این بزرگواران است.

فهم مراتب هستی در نظام آفرینش، دید ما را نسبت به جهان تغییر داده و به ما کمک می‌کند تا جهان را در حد ظاهر و ماده نبینیم؛ بلکه بفهمیم هر رخداد، ریشه‌ای در عوالم بالاتر دارد. این تغییر نگرش ما را به تأمل، شناخت و حرکت به سوی اصل خود دعوت می‌کند و باعث می‌شود بدانیم در چه جایگاهی قرار داریم و قرار است به کجا برویم.

خلاصه نمودار خلقت و مراتب آفرینش همان مفاهیم «**قوس نزول**» و «**قوس صعود**» است که در درس‌های گذشته به آن‌ها اشاره کرده‌ایم. مراتب آفرینش در قوس نزول به ترتیب عبارتند از: خداوند، نور محمدی، عالم جبروت، عالم ملکوت و در نهایت عالم ناسوت و دنیا!

این مراتب در قوس صعود نیز با ترتیب معکوس طی می‌شوند: عالم مادی دنیا، مرگ، عالم ملکوت وبرزخ، قیامت، آخرت ابدی و بازگشت به نور محمدی! تمام مراتب خلقت بر حقیقتی طولی و ریاضی استوارند. آفرینش خداوند یک پروژه دقیق هندسی است که در آن هر مرحله، عصاره‌ای از مرحله پیشین خود به شمار می‌آید.

در این درس به بررسی مراتب مختلف هستی پرداختیم. این مراتب شامل عالم جبروت یا عالم عقل، عالم ملکوت یا برزخ، عالم ناسوت یا دنیای مادی است. هریک از این عوالم ویژگی‌ها و کارکردهای منحصر به فردی دارند. دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، از نظر شدت و تقدم وجودی در پایین‌ترین مرتبه قرار دارد؛ با این حال همین عالم، سکوی ارتقای انسان به عوالم و مراتب بالاتر است.

دیدگاه‌های مختلفی درباره مراتب آفرینش و نقطه آغاز خلقت وجود دارد. نگاه علمی، بر اساس نظریه بیگ‌بنگ، نقطه آغاز آفرینش را انفجار ذره‌ای فشرده معرفی می‌کند؛ اما در رویکرد قرآنی و روایی، نور وجودی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به عنوان نقطه آغاز و پایه خلقت معرفی می‌شود. پذیرش چنین دیدگاهی موجب شناخت و باور دو اصل مهم نبوت و امامت می‌گردد.

آشنایی با مراتب گوناگون هستی این امکان را به انسان می‌دهد تا جایگاه خود در نظام آفرینش را بهتر بشناسد و با آگاهی نسبت به مبدأ، مسیر و مقصد، سبک زندگی خود را به گونه‌ای تنظیم کند که با کمترین آسیب و بیشترین سرعت به سوی هدف آفرینش حرکت کند.

شما چه شناختی از مراتب هستی دارید؟ به نظر شما آیا شناخت این مراتب تأثیری بر سبک زندگی روزمره افراد دارد؟ نظرات خود را با ما به اشتراک بگذارید.